

# جهانی شدن دموکراسی و گذار به نظریه نئوپلورالیسم دولت

محمد توحیدفام<sup>۱</sup>

## طرح بحث

پلورالیسم یا متعارف مدافع چندگانگی در عقاید، نهادها و جوامع و مخالف هرگونه یکه‌خواهی است، بر همین اساس پلورالیسم سیاسی حضور تنوع را در فعالیت‌های اجتماعی، نهادی و ایدئولوژیک می‌پذیرد و چنین تنوعی را با ارزش می‌داند. فلسفه سیاسی لیبرال در برابر قدرت مطلقه سر بلند کرد و در این میان می‌توان از آرای جان لاک، فیلسوف انگلیسی یاد کرد که معتقد بود؛ مقامات حکومتی هیچ‌گاه نباید قدرت مطلقه یا انحصاری داشته باشند. همین نفی قدرت مطلق، یکپارچه و غیرقابل کنترل دولت است که هم‌چنان به صورت شاخصه پلورالیسم سیاسی مطرح است. پس از لاک، در میان نظریه‌پردازان مختلفی که در این وادی سخن گفته‌اند، می‌توان از متفکر سیاسی قرن نوزدهم، الکسی دو توکویل<sup>۲</sup> یاد کرد. او در یک مقایسه میان انقلاب امریکا که به تکثرگرایی انجامید و انقلاب فرانسه که قدرت مطلقه در آن تبلور یافت، نتیجه می‌گیرد که جوامع چندگانه و متداخل که حکایت از پلورالیسم نهادی و آگاهی سیاسی دارد، شرایط دموکراتیک را فراهم می‌آورد و از استبداد جلوگیری می‌کند.<sup>(۱)</sup>

۱. دکتر محمد توحیدفام، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

2. A. de Tocqueville

پلورالیسم در ابتدا تهاجمی بود علیه انحصارگرایی دولتی، آن‌گاه پلورالیست‌ها مسأله خودمختاری فعالیت‌ها و تنوع گروهی و سازمانی را مورد تأکید قرار دادند. از نظر آنان در جوامع پیچیده، مناقشه و درگیری میان گروه‌ها اجتناب‌ناپذیر است و لازم است در چنین وضعیتی مراقبت‌ها و موازنه‌هایی نهادی و اجتماعی، به عنوان سازوکارهایی برای جلوگیری از انحصار دولتی پذیرفته شود. گرچه پلورالیست‌ها از محاسن فردگرایی سیاسی دفاع می‌کردند، از مخاطرات جامعه‌ای که نفع شخصی انگیزه مسلط و پیوندهای سنتی اجتماعی غائب است نیز آگاه بودند.

پلورالیسم در حوزه روش‌شناسی عمدتاً به پوزیتیویسم گرایید، و عینیت‌گرایی پوزیتیویسم خود در رفتارگرایی، کارکردگرایی و روش‌شناسی فردگرایی<sup>۱</sup> تبلور یافت. به ویژه رفتارگرایی در حیطه علم سیاست مطالعات زیادی را به بار آورد، از جمله می‌توان به کار ماندگار رابرت دال<sup>۲</sup> با عنوان چه کسی حکومت می‌کند<sup>(۲)</sup>، اشاره کرد که به نظریه معروف پلی‌آرشی<sup>۳</sup> یا سلطه چندگانه انجامید و این نظریه به صورت مبانی پلورالیسم سیاسی درآمد. دسته‌ای دیگر از پلورالیست‌ها، تحت تأثیر جامعه‌شناس مشهور و پرآوازه تالکوت پارسونز<sup>۴</sup> به کارکردگرایی روی آوردند و وارد مباحث توسعه و نوسازی شدند.

در ادامه بحث روش‌شناسی، مسأله ارزش‌ها و باورهای آن مطرح گردید که در این زمینه میلر<sup>۵</sup> پلورالیست‌ها را به دو گروه هنجاری<sup>۶</sup> و تحلیلی<sup>۷</sup> تقسیم می‌کند. پلورالیست‌های هنجاری معتقد بودند که دولت قانونی است در کنار دیگر قانون‌های جامعه که مردم باید تابع آن‌ها باشند، بنابراین لزومی ندارد در همه زمینه‌ها از دولت تبعیت شود. در مقابل پلورالیست‌های تحلیلی که

1. Methodological Individualism

2. Robert Dahl

3. Polyarchy

4. Talcott Parsons

5. N. Miller

6. Normative

7. Analytic

ارزش را از واقعیت جدا می‌کردند، در مورد ساختاری از عمل سیاسی در دولت مدرن و الگوهای نفوذ صحبت می‌کردند. (۳)

در این مقاله رابطه جهانی شدن دموکراسی و نظریه نئوپلورالیسم دولت از دو منظر درون‌دادهای سیاسی به عنوان سازوکارهای کنترل رهبران سیاسی و سازمان دولت بررسی می‌شود. چراکه این نحوه بررسی اولاً تصویر روشنی از تحول نظریه دولت پلورالیستی از قدیم به جدید است و ثانیاً؛ بیانگر نحوه تأثیرگذاری جهانی شدن دموکراسی بر پلورالیسم می‌باشد. سیستم رقابت حزبی، وسایل ارتباط جمعی، نهادهای دموکراتیک تماماً سازوکارهایی هستند که به عنوان سازوکارهای کنترل رهبران سیاسی امکان مشارکت عقلانی و شرکت افراد در تعیین سرنوشت خویش و رقابت در جوی سالم را میسر می‌سازند و معیاری برای سنجش میزان توجه دولت‌ها است. سازمان دولت معیار دیگری برای این بخش است، چراکه میزان دموکراتیک بودن دولت به‌شمار می‌رود.

### مبحث اول: پلورالیسم اولیه

#### ۱) درون‌دادهای سیاسی

در مورد درون‌داد سیاسی، پلورالیست‌ها تحلیل‌های آکادمیک را در دموکراسی‌های لیبرال تحت سیطره خود قرار داده‌اند. آن‌ها بیش از دیگر نظریه‌پردازان برای انتخابات، رقابت حزبی و گروه‌های ذی‌نفع اهمیت قایل می‌شوند. آن‌ها بر واقعیت و اهمیت مجاری چندگانه‌ای که از طریق آن شهروندان بتوانند رهبران سیاسی را کنترل کنند و توسعه سیاست‌های عمومی را شکل بخشند، تأیید می‌کنند.

۱. مقیاس و حکومت نمایندگی - از آن‌جا که دولت‌های ملی مدرن نسبت به گذشته به لحاظ مقیاس بسیار وسیع هستند، پلورالیست‌ها واقف‌اند که شهروندان سیاست‌گذاری را در نظام سلطه چندگانه به طور مستقیم کنترل نمی‌کنند و امکان آن را هم ندارند. مواضع پلورالیست‌ها نسبت به حکومت نمایندگی پیچیده است. تأکید آن‌ها بر پژوهش تجربی باعث شده تا نسبت به

پندار قانونی در مورد حکومت نمایندگی که از سوی لیبرال‌های قرن نوزدهم و نظریه‌پردازان حقوقی قرن بیستم پذیرفته شده بود، انتقادگر باشند. در مجموع آن طور که رابرت دال می‌گوید، پلورالیسم در دوره جدید قبول ندارد که دسته‌ای از نهادهای نمایندگی به خودی خود بتوانند برای تضمین یک سلطه چندگانه کارا کافی باشد.<sup>(۴)</sup>

۲. نهادها، پلورالیسم اجتماعی و فرهنگ - اگر نهادهای نمایندگی شرط کافی برای وجود یک دموکراسی لیبرال واقعی نیستند، اما به عنوان شرایط لازم پذیرفته شده‌اند. دستگاه مقننه‌ای که آزادانه انتخاب شده باشد و امکان ایجاد حکومت‌های محلی که به لحاظ قانونی خودمختار باشد، برای نظام سلطه چندگانه اجتناب‌ناپذیر است. به همین نحو تضمین‌های قانونی که براساس آن افراد و احزاب بتوانند در انتخابات آزاد شرکت کنند و از آزادی‌های اساسی شهروندی بهره‌مند شوند، ضروری است. اما طرفی که براساس آن حکومت و سیاست‌مداران تحت کنترل قرار می‌گیرند بیش از آن که مربوط به پارلمان‌ها و اجبارت قانونی باشد، مربوط به انتخابات، رقابت حزبی و فعالیت گروهی می‌شود. نیروی مراقبت‌کننده اصلی از منافع عمومی در برابر حکومت‌ها قوانین نیست، بلکه رسانه‌های خبری است. در مجموع می‌توان گفت همه این‌ها باعث می‌شود تا مهیا بودن فرهنگی شهروندانی که به لحاظ سیاسی آگاه باشند و توانایی سازمان‌دهی خود را داشته باشند، محافظی بنیادین برای آزادی‌های سیاسی باشد.<sup>(۵)</sup>

۳. انتخابات، رقابت حزبی - برای اغلب شهروندان رأی دادن تجربه اصلی مشارکت در یک دموکراسی لیبرال است. فرآیندهای طولانی که از طریق آن نظام‌های سلطه چندگانه رهبران را انتخاب می‌کنند، معمولاً به قدرت دولتی واگذار می‌شود و از خلال مباحثی که از سوی احزاب و فعالیت‌های انتخاباتی و اعمال نامزدها دامن زده می‌شود، انتخاب شهروندان شکل می‌گیرد. پلورالیست‌ها در مورد اهمیت رقابت سیاسی و انتخابات در نظام‌های سلطه چندگانه موافقت دارند. با این حال سه رویکرد متفاوت را در مورد مطالعه انتخابات مطرح ساخته‌اند. قدیمی‌ترین دیدگاه، گرایشی در مورد واقع‌گرایی پلورالیستی است که بر نیاز به بردباری در مورد کیفیت پایین مشارکت شهروندی در انتخابات تکیه می‌کند. در اوائل دهه ۱۹۶۰ دیدگاه دومی مبتنی بر گزینش

عقلانی<sup>۱</sup> در مورد فرآیند انتخاباتی مطرح شد. این دیدگاه نسبتاً خوش بینانه سیاست را به بازاری تشبیه کرد که در آن رأی دهندگان به مثابه مصرف کنندگان برای خود دست به انتخابات می زنند و در چنین رقابتی رهبران سیاسی نیز مبتنی بر خواست اکثریت عمل می کنند. در سال های اخیر پلورالیست ها بار دیگر به کاستی های مشارکت در برخی نظام های حزبی و انتخاباتی بدبین شدند. از این رو این دیدگاه سوم، بهبود پاسخ گویی رهبران حزبی را نسبت به رأی دهندگان و نظام های انتخاباتی مناسب تر تجویز می کند.<sup>(۶)</sup>

۴. فرآیند گروه های ذی نفع - از نظر پلورالیست ها انتخابات تنها در مواقعی خاص برای شهروندان، امکانات انتخاب میان احزاب یا نامزدهای رقیب را فراهم می آورد. اما برخلاف انتخابات که مقطعی است، فرآیند گروه های ذی نفع مستمر است. مشارکت مردم در این فرآیند محدود و فعالیت پشت پرده گروه ها به نظر می آید بیش از آن که بر حکومت تأثیر گذار باشد بر بخت های انتخاب شدن تأثیر می گذارد. با این وجود فرآیند گروه های ذی نفع برای تفکر پلورالیستی اساسی است. پلورالیست ها مطمئن هستند که تأثیر گروه های ذی نفع بر سیاست گذاری بسیار با ملاحظاتی دموکراتیک مرتبط است و دولت هم از طریق درک تعدادی گروه های فشار، میزان بسیج آن ها و شدت اولویت های شان، می تواند به مطالبات اصلی جامعه پی ببرد. فرآیند گروه های ذی نفع در نظام مبتنی بر سلطه چندگانه مولد یک سیالیت در شکل و شمایل ائتلاف هایی پیروز از منافع است که سیاست گذاری را متأثر می سازد. گروه های متفاوت در قلمروهای مختلف تأثیر گذارند ولی آن ها صرفاً در یک مورد حساس و تأثیر گذارند، لزوماً در موارد دیگر چنین حساسیت و تأثیری ندارند.<sup>(۷)</sup>

۵. رسانه های گروهی و سیاست - رویکردهای پلورالیستی به رسانه های گروهی از مباحثی در مورد رسانه های آزاد ناشی می شود که به پیش از ظهور کامل قوانین اساسی دموکراتیک در بیشتر کشورهای اروپای غربی باز می گردد. نشریه ها، مجلات و روزنامه ها، مجاری اولیه ارتباطات بودند که از طریق آن مردم محروم از حق رأی با تحولات سیاسی در

ارتباط قرار می‌گرفتند. در نظریه لیبرال در مورد نشریات، مالکیت خصوصی نشریه مانع انحصار دولتی نسبت به وسایل ارتباطی است. از چنین منظری روزنامه‌نگاران به عنوان گروه‌هایی شغلی محسوب می‌شوند که به گونه‌ای بی‌طرفانه به دنبال حقیقت می‌روند. اما مثل هر حرفه دیگر، روزنامه‌نگاری نیز به نحوی فزاینده تخصصی شده است و موجب تهیه گزارشاتی پیچیده در مورد تحولات سیاسی، مسایل اقتصادی و سیاست خارجی شده است. بحث دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود، بحث رسانه‌های صوتی و تصویری است. در بسیاری از کشورهای اروپای غربی مالکیت و کنترل رادیو و تلویزیون به دست دولت است و حتی در امریکا این رسانه‌ها از سوی دولت فدرال تنظیم و راهبری می‌شود. مداخله دولت در مالکیت یا تنظیم حرکت این رسانه‌ها در کشورهای غربی براساس این نیاز است که استانداردهای بی‌طرفی و کنار گذاردن تمایل سیاسی تقویت شود. ترکیب نشریات آزاد، تخصصی شدن روزنامه‌نگاری و قدرت جبران‌کننده رسانه‌ها، نظامی را به وجود می‌آورد که اطلاعات لازم را برای کنترل مؤثر شهروندان بر سیاست‌مداران تولید می‌کند. پلورالیست‌هایی که بیشتر منتقد هستند، نگران‌اند که در برخی مواقع گرچه توسعه وسایل ارتباط جمعی کنترل‌های غیرمستقیم شهروندان را بر سیاست‌مداران افزایش داده است، کیفیت کنترلی که شهروندان می‌توانند از طریق قوه مقننه یا احزاب سیاسی اعمال کنند، در فرآیند تحمیل ارزش‌ها و رویه‌های وسایل ارتباط جمعی نیز تغییر کرده است. یعنی سیاست‌مدارانی که می‌دانند چگونه وسایل ارتباط جمعی را به نحوی موفق تغذیه کنند، در معرض پاسخ‌گویی کم‌تری قرار می‌گیرند.<sup>(۸)</sup>

## ۲) سازمان دولت

پلورالیست‌ها ترجیح می‌دهند از حکومت و نظام‌های حکومتی سخن بگویند تا دولت و سازمان‌های دولتی. پلورالیست‌ها معمولاً دولت را در متن عینیت تجربی، به عنوان سازمان‌هایی مجزا (دادگاه، خدمات عمومی و فعالیت‌های عمومی) مورد اشاره قرار می‌دهند، یا به جای آن به نحوی مسالمت‌آمیز به بوروکراسی شامل همه اجزای دولت که خارج از حاکمیت «سیاسی» یا

«منتخب» قرار دارند، اشاره می‌کنند. پلورالیست‌ها به این می‌اندیشند که در متن سلطه چندگانه چه کسی قدرت دارد تا این‌که دولت چیست؟ در واقع پلورالیسم بیشتر یک نظریه در مورد جامعه بود تا یک نظریه در مورد دولت. اما به طور ضمنی همه پلورالیست‌ها نظریاتی در مورد مناسبات میان دولت و جامعه دارند. می‌توان گفت که سه تصور از دولت لیبرال دموکراسی با پلورالیسم منطبق است.<sup>(۹)</sup>

#### ۱. مدل‌های دولت پلورالیستی

اول) مدل دولت تابع<sup>۱</sup> - در این مدل، دولت موجودی است منفعل که توازن قدرت‌های گروه فشار را در جامعه مدنی منعکس می‌کند. سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری مبتنی بر مشروعیت ناشی از پیروزی‌ها در رقابت میان گروه‌های فشار است. این بدان معنا نیست که دولت بی‌طرف است. بلکه معنای آن این است که سازمان‌های دولت نسبت به قوی‌ترین گروه‌های فشار، در قلمرو این گروه‌ها، پاسخ‌گو، متمایل و منقاد هستند. این برداشت از سازمان ناشی از فعالیت دولت لیبرال دموکرات در پس از جنگ جهانی دوم است.

دوم) مدل دولت بی‌طرف<sup>۲</sup> - بسیاری از پلورالیست‌ها می‌گویند که دولت بازتاب صرف جامعه مدنی نیست، بلکه می‌تواند در سلطه چندگانه بی‌طرف باشد. در این تصور، دولت به عنوان واسطه توازن برانگیز و هماهنگ‌کننده منافع مطرح است. بوروکراسی‌های دولتی پاسخ‌گوی تعارض گروه‌های فشار و درگیر در انتخابات‌اند و در عین حال نقش فعالی به عنوان نگاهبان این روند سیاسی دارند.

سوم) مدل دولت واسطه‌گر<sup>۳</sup> در این مدل سیاست‌های عمومی به عنوان تجمیع فعالیت‌های گروه‌های فشار که در دستگاه دولتی در جریان است، تفسیر می‌شود. در واقع دولت واسطه‌گر نیز منافع خاص خود را دارد. یک دولت واسطه‌گر تنها بازتاب جامعه خود نیست و به

- 
1. The Weatherivane Model
  2. The Neutral State View
  3. The Broker State View

گونه‌ای بی‌طرفانه هم منافع عمومی را دنبال نمی‌کند. چنین دولتی هر قدر هم توانایی هدایت و راهبری داشته باشد، خود محصول قدرت ائتلاف‌های مسلطی است که در درون و بیرون دولت شکل یافته است. در چنین مدلی، دولت‌ها همواره سیاست‌هایی را توسعه می‌بخشند که در میان گروه‌های کلیدی مورد توافق است. آن‌ها منافع متنوع را گرد می‌آورند و در هم می‌آمیزند، به نحوی که مناقشات بتواند حل شود و محصول مورد توافق برون آید. بنابراین دولت سازمانی نیست که بتوان به آسانی آن را از مابقی جامعه جدا کرد. و منفعل و بی‌طرف هم نیست. دولت تشکیل شده از فعالیت‌های رسمی و غیررسمی گروه‌های فشار و نیز تشکیل شده از ائتلاف‌ها و چانه‌زنی‌ها، و در میانه تعامل میان این فعالیت‌ها، ائتلاف‌ها و چانه‌زنی‌های گروه‌های فشار غیردولتی گسترده است.

برای یافتن تفاوت‌ها و اشتراکات بیشتر میان این سه مدل پلورالیستی باید چهار جنبه از سازمان دولت را بررسی کرد. در مورد دو جنبه، یعنی نقش مجریان و قانون‌گذاران و نقش نخبگان اداری و قضایی، در این سه مدل تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد. اما در مورد دو جنبه سیاست‌گذاری و مسئله تمرکز و عدم تمرکز، همه پلورالیست‌ها اساساً مواضعی مشابه دارند.<sup>(۱۰)</sup>

۲. جنبه‌های سازمانی دولت پلورالیستی

اول) مجریان، قانون‌گذاران و هماهنگی. در مدل اول قوای مجریه و مقننه بی‌خاصیت‌اند و تحت تأثیر حکومت چندگانه و دست‌های پنهان، عمل و هماهنگی ایجاد می‌کنند. اما مدل دوم هماهنگی را بدون هماهنگ‌کننده نمی‌پذیرد. سیستم کابینه نیز در این مدل هم بیان‌گر نظریه‌های متفاوت و هم هماهنگ‌کننده این نظریه‌ها است. اما مدل سوم قائل است که نه رئیس‌جمهور و نه کابینه، قدرت آن را ندارند تا هماهنگی محول شده از سوی قانون را ایجاد کنند. در جنگلی از مؤسسات متکثر که هر کدام افراد خاص خود را دارند، هماهنگی نتیجه ناخواسته و خوش‌یمن عمل است؛ نه یک استراتژی کنترل شده توسط رئیس‌جمهور.

دوم) نخبگان اداری و قضایی. پلورالیست‌های مدل اول معتقدند که سیاست‌مداران منتخب و نخبگان اداری انسان‌هایی منفعل‌اند که اعمال‌شان با الگوی مسلط فشار منطبق است.



کارکنان دولت قوانین را در حالی اجرا می‌کنند که ارزش‌های جامعه توسط گروه‌های ذی‌نفع و وسایل ارتباط جمعی و رقابت‌های انتخاباتی بیان می‌شود. دستگاه اداری تنها نتایج این رقابت‌ها را در قوانین تأیید می‌کند یا شواهدی برای تحقق ارزش‌ها در قوانین فراهم می‌نماید. یک بوروکراسی نمایندگی که مبتنی بر چنین مدلی است در الگوهای استخدام خود ترکیب جامعه را بر حسب طبقه، نژاد، جنسیت، قومیت یا مذهب منعکس می‌سازد.

بر خلاف مدل بالا طرفداران دولت بی‌طرف می‌گویند که کارکنان دولت باید میان منافع اجتماعی، هماهنگی و توازن برقرار کنند. آنان باید منافع کل جامعه را حفظ کنند و از این رو در روند تدوین خط مشی از جانب کسانی نیز سخن بگویند که سازمان نیافته‌اند و به لحاظ سیاسی نادیده گرفته می‌شوند و به این ترتیب به گونه‌ای فعال در پی حفظ قواعد دموکراتیک بازی باشند. دست‌اندرکاران اداره نباید تماماً سرسپرده حکومت منتخب باشند. آن‌ها باید حرفه‌ای، رسمی و به لحاظ سیاسی غیرحزبی بوده، نقش خود را به عنوان پاسداران قانون اساسی با روند دموکراتیک تعریف کنند. بنابراین یک بوروکراسی با محوریت قانون اساسی که مبتنی بر مدل دوم است، استخدام قانون اساسی را در نظر دارد. در این مدل خدمات عمومی باید از مناقشات اجتماعی جدا باشد تا از انقیاد آن توسط گروه‌های فشار یا تبعیت آن از حزب‌های حاکم جلوگیری شود.

اما پلورالیست‌های طرفدار دولت واسطه‌گر می‌پرسند چرا انسان‌ها باید گروه‌ها را برای دفاع از منافع عام، تنها در بخش خصوصی شکل دهند؟ در حالی که از نظر آنان این انتظار می‌رود که بخش‌های حکومتی، سازمان‌های تخصصی، موسسات شبه دولتی و فعالیت‌های عمومی، خود زمینه مناسبی برای شکل‌گیری گروه‌ها بوده، و ایدئولوژی‌های گروهی قدرت‌مندی ایجاد کند. از این منظر نخبگان اداری دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند و تنها به غیر از قلمروهای محدود در سیاست‌گذاری دارای منافع کارکردی، عام هستند. پلورالیست‌های واسطه‌گر انتظار هیچ رابطه ضروری بین انسجام خدمات اداری و هماهنگی خط‌مشی‌ها در منافع عمومی را ندارند. انسجام و هماهنگی میان منافع گروهی مستخدمان اداری مسأله‌ای نانوشته است. این منافع از طریق حادثه یا برنامه‌های مورد پیش‌بینی ترتیبات نهادی دولت با منافع عام هم‌زمان می‌شود.

پلورالیست‌های معتقد به دولت واسطه‌گر طرفدار یک بوروکراسی نمایندگی فعال هستند که براساس آن گرایش‌های طبقاتی، مذهبی، نژادی و قومی، اعلام و به طور علنی به نسبت گروه‌های اجتماعی مختلف اعمال می‌شود.

در مورد حقوق و قوانین باید گفت که دولت تابع حقوق و قوانین را تنها ناشی از گروه‌های فشار موجود می‌داند که به وضع موجود رسمیت می‌بخشد. به‌رغم قوانین نوشته شده از این منظر، قضات با توجه به توازن فشارهای سیاسی موجود قضاوت می‌کنند. اما پلورالیست‌های معتقد به دولت بی‌طرف تأکید بیشتری بر استقلال نظام حقوقی دارند. سرانجام معتقدان به دولت واسطه‌گر قوه قضائیه را گروهی مثل گروه‌های دیگر می‌دانند که رفتارشان متأثر از منافع‌شان می‌باشد. اما از آن‌جا که منافع قضات همواره مورد چالش نیست آن‌ها می‌توانند موضع نسبتاً مستقلی اتخاذ کنند.

سوم) سیاست‌گذاری. در خصوص مفاهیم پلورالیستی سیاست‌گذاری چهار جنبه مورد نظر قرار می‌گیرد. اول؛ این‌که نظریه‌ای عمومی در مورد تصمیم‌گیری بر این اساس قرار دارد که یک تصمیم‌گیری فراگیر «عقلانی» که همه گزینه‌های در دسترس را ارزیابی و بهترین را انتخاب کند، ناممکن است. دوم؛ آن‌که همه پلورالیست‌ها می‌پذیرند، هنگامی که تصمیم‌گیری فردی نیست، پیچیدگی‌های بسیاری در آن دخالت می‌کند. سوم؛ سازگاری میان منافع سازمان‌یافته تنها راه ممکن برای تصمیم‌گیری در سطح ملی است که می‌تواند در دنیای واقع به ملزومات دموکراسی نزدیک شود. سرانجام جنبه چهارم؛ آن است که همه گروه‌های مهم توان آن را دارند که به بخش‌هایی از دستگاه دولتی دسترسی داشته باشند. از نظر آنان برنامه‌ریزی برای بودجه کشور نمونه خوبی برای توضیح این جنبه است.

چهارم) تمرکز و عدم تمرکز. همه پلورالیست‌ها با دولت‌های متمرکز تعارض دارند. گرچه معنای تمرکز و عدم تمرکز مورد اختلاف است. پلورالیست‌ها عدم تمرکز را تقریباً در همه اشکال‌اش به عنوان حُسن قلمداد می‌کنند. چرا که عدم تمرکز به جلوگیری از استبداد «دموکراتیک» یاری می‌رساند و نقاط و پایگاه‌های مختلف دستیابی برای فعالیت گروه‌های فشار،

مشارکت شهروندی و کنترل آن را بر سیاستمداران افزایش می‌دهد. از منظر قانون اساسی، فدرالیسم قوی، راه حل مفیدی برای مشکلات نهادی جامعه‌ای با جمعیتی چندمذهبی و چندقومی است.<sup>(۱۱)</sup>

پلورالیست‌ها عواملی چون انشاقات نادرست مانند عدم قشربندی متنوع در جامعه که باعث می‌شود یک شکاف مثل شکاف طبقاتی عمده شود و یا عواملی چون تمرکز بیش از حد همزیستی گروه‌های فشار با دستگاه دولتی را در ایجاد بحران دولت مؤثر می‌دانند. در دهه ۱۹۶۰ نظریه‌پردازانی چون آلموند و پاول استدلال می‌کردند که سلطه چندگانه نتیجه به‌هنگار و سالم نوسازی است و نظریه‌پردازانی چون دانیل بل،<sup>۱</sup> دولت رفاه را پیام‌آور عصر پایان ایدئولوژی و دوره‌ای می‌دانستند که تنها مناقشات قابل کنترل در جامعه صنعتی ضمیمه آن است. اما در دهه ۱۹۷۰ این تصور به دلیل برپایی جنبش‌های ضدپارلمانی محیط زیست، صلح و حتی تروریسم، جنبش‌های نژادی و بازگشت جنبش‌های قومی، محلی و مذهبی جدایی طلب در نقاطی چون ایرلند شمالی، کبک، اسپانیا و لبنان خدشه‌دار شد. برخی از پلورالیست‌ها بار اضافی بر دوش حکومت را نمایان می‌سازند و عدم‌کارایی سیاست‌ها را نتیجه اجماع کم و دموکراسی بیش از حد می‌دانند؛ در حالی که گروهی دیگر با نگاهی رادیکال‌تر به پاسخ‌گویی سیاسی ناکافی و دموکراسی بسیار کم اشاره می‌کنند.

رویکرد پلورالیستی به سیاست‌هایی که به درون سیستم سیاسی راه می‌یابد، به مناسبات دولت و جامعه، به سازمان دولت، به سیاست‌گذاری و بحران دولت، هم‌چنان در ادبیات علوم سیاسی اروپای غربی و امریکای شمالی تفوق دارد؛ گرچه پژوهش‌های آن‌ها در مورد سازمان‌های دولت و سیاست‌گذاری همانند دهه ۱۹۶۰ غنی نیست. انحصار پلورالیسم بر دموکراسی لیبرال دچار تشنگی شده است و متحمل فشار افکار راست نو و پلورالیسم نو است، با این حال پلورالیسم هم‌چنان نیرومند و فعال است، اما نفوذ آن در دهه‌های آتی رو به تقلیل خواهد بود.

---

1. Daniel Bell

به طور کلی پلورالیسم چشم‌اندازی اخلاقی در سیاست مدرن است که بر اهمیت حفظ تکثری از سازمان‌های اقتصادی و سیاسی نسبتاً خودمختار برای دموکراسی و آزادی تأکید می‌کند. در جوامع در مقیاس بزرگ، رقابت منافع اقتصادی و تفاوت دیدگاه‌های سیاسی‌گریزناپذیر است. لذا باید نهادهایی وجود داشته باشد که از طریق آن منافع متعارض بتوانند خود را سازمان بخشیده و برای قدرت رقابت کنند. این کار مستلزم تنظیم و سازماندهی عقاید مشترک در میان گروه‌هاست. نظامی از احزاب سیاسی رقیب نشانه ویژه دموکراسی پلورالیستی است. پلورالیست‌ها منبع واقعی تصمیم‌گیری دموکراتیک را نه در بدنه واحد و یک‌دست دولت بلکه در تنوع اجتماعی می‌دانند. در دیدگاه پلورالیستی، آنچه کشورهایی چون امریکا و انگلیس را به عنوان لیبرال دموکراسی‌های خوب، برتر می‌سازد ترتیبات قانون اساسی و عملکرد آنها نیست، بلکه بیش از آن، طبیعت جامعه گسترده‌ای است که این ترتیبات در داخل آن قرار گرفته‌اند. چنین جوامعی باز هستند به گونه‌ای که گروه‌های مختلف می‌توانند منابع خیلی متفاوتی را بسیج نمایند. چنین دولتی بر فرهنگ مدنی استوار است. با این وجود برای کثرت‌گرایان سازوکارهای قابل قبولی برای شکل‌دهی سیاست‌های حکومتی از عملکرد گروه‌های ذی‌نفع ناشی می‌شود. بر مبنای چنین ارزیابی‌هایی، سیاست‌گذاری عمومی به وسیله حکومت‌ها نتیجه نهایی جریان گفتگوها و تطبیق<sup>۱</sup> است که طی آن شهروندان متشکل در گروه‌ها سعی دارند منافع خود را با اعمال فشار تحقق بخشند. وجه دموکراتیک بودن کثرت‌گرایی به آن است که نباید دسترسی برخی از گروه‌های ذی‌نفوذ، گسترده‌تر از برخی دیگر باشد و اصل رقابت عادلانه از بین برود و دولت در این دیدگاه می‌تواند نقش یک واسط و دلال را داشته باشد. یعنی نه فقط دولت می‌تواند آشتی و مصالحه را بین گروه‌های ذی‌نفوذ تحقق بخشد، بلکه علاوه بر آن می‌تواند این مصالحه را در مسیر ملاحظات سیاسی خاص خود جهت بخشد و شاید لازم باشد در جهت کاهش نابرابری میان گروه‌ها و دسته‌جات درون جامعه اقدام کند، اما این اقدام کمی است. مسأله کیفی آن است که به رغم هر میزان کاهش در سطح نابرابری‌ها در میان گروه‌های

---

1. Accomodation

اجتماعی جامعه کل، اصولاً گروه‌های اقلیت و دیدگاه‌های آنان تا چه اندازه می‌توانند دارای خودمختاری و حق تعیین سرنوشت باشند.

### مبحث دوم: پلورالیسم نو

در اواخر دهه ۱۹۶۰ تعدادی بحران‌های سیاسی و اجتماعی تقریباً در همه دموکراسی‌های لیبرال بروز یافت و این باعث شد که تصور «دموکراسی‌های باثبات» دچار خدشه شود. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی بحران‌های اقتصادی روی نمایاند، به گونه‌ای که به بیکاری در دهه ۱۹۸۰ متجر گردید و بدین‌سان توانایی دموکراسی‌های لیبرال برای بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندی به همه بخش‌های جامعه زیر سؤال رفت. در چنین وضعی بود که پلورالیسم نو بر آن شد تا با پیچیدگی‌های نظام‌های اجتماعی مدرن دست و پنجه نرم کند.

تفکر پلورالیستی نو چهار منشأ فکری دارد: ۱. علم اقتصاد غیر رایج است که نمایان‌گر جدایی از جریان اصلی امروز است، و بر روی گرداندن از بکارگیری زیاد گزاره‌های ریاضی و برنمایاندن چگونگی اعمال نفوذ ارزش‌های اجتماعی و ترتیبات سازمانی بر عملیات اقتصادی است. ۲. آگاهی عالمان علم سیاست از محدودیت‌هایی است که نظام‌های اقتصادی بر تصمیم‌گیری جمعی اعمال می‌کنند. نظریه جامعه‌شناختی پس از جنگ دوم است که از تفکر سیستمی متأثر است؛ و حوزه‌های متنوع علوم اجتماعی کاربردی است که تحت عنوان «تحلیل خط‌مشی» گروه‌بندی شده است. پلورالیسم نو برخلاف راست نو یا مارکسیسم به لحاظ ایدئولوژیک موضعی در راست یا چپ ندارد، بلکه برخی مانند نیکولاس لومان<sup>۱</sup> و دانیل بل<sup>۲</sup> تکنوکرات‌های محافظه‌کار به حساب می‌آیند و دیگران مثل رابرت دال<sup>۳</sup> و جان کنت گالبرایت<sup>۴</sup> به

1. Nicolas Luhmann

2. Daniel Bell

3. R. Dahl

4. J. K. Galbraith

عنوان لیبرال‌های رادیکال‌های شناخته می‌شوند. آنچه این‌ها را گردهم می‌آورد تلاشی است برای احیای یک موضع فکری لیبرال میانه تا از عهده شرایط اجتماعی مدرن و توسعه سیاسی مدرن برآیند. (۱۲)

رویکرد روش‌شناختی مشترک پلورالیست‌های نو چهار جنبه مهم دارد: ۱. تمرکز بر پدیده‌ها در سطح کلان که تا حدی برای متفکران لیبرال غیرمعمول است. برخلاف پلورالیست‌های اولیه یا متعارف که بر رفتار فرد، تصمیم‌گیری خاص حکومتی و تعارضات قابل مشاهده تکیه دارند، پلورالیست‌های نو مباحث عام در مورد مناسبات دولت و جامعه و الگوی توسعه آن‌ها را مد نظر دارند. ۲. توجه به آن چیزی است که در مورد جامعه و سیاست پیشرفته صنعتی متمایز است. ۳. ارجحیت برای تبیین‌های چندعلتی به جای تبیین‌های تک‌علتی است که به دنبال نظریات ماکس وبر برای پلورالیست‌های نو مقبولیت یافته است. ۴. تمرکز بر کارهای بین رشته‌ای است که بر این اساس مرزهای متعارف علم سیاست، جامعه‌شناسی، یا اقتصاد در نور دیده می‌شود تا تبیینی پیچیده از پیچیدگی‌های جامعه به دست آید.

#### ۱) دروندا‌های سیاسی

برای پلورالیست‌های اولیه (متعارف) مطالعه دروندا‌های سیاسی دموکراتیک اهمیت نظری محوری دارد، اما پلورالیست‌های نو توجه کم‌تری به انتخابات، رقابت حزبی یا سیاست مبتنی بر گروه‌های ذی‌نفع دارند و اهمیت اجتماعی آن‌ها را در مقایسه با رویکردهای پیشین تقلیل می‌دهند. آن‌ها چهار موضع کلیدی دارند: (۱۳)

۱. کنارگذاردن سیاست مبتنی بر طبقه - سه عامل مهم به صورت نیرومندی در تقلیل اهمیت بسیج سیاسی مبتنی بر طبقه در سرمایه‌داری‌های پیشرفته سهم داشته است. اول تغییر از تولید کارگاهی به بخش سوم، در ساختار صنعتی. این تغییر که موجد مشاغل غیریدی شد، تأثیر بسیار زیادی در ترکیب شغلی نیروی کار استخدام شده داشت. دوم نقش اتحادیه‌های کارگری در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته است که توسط رشد شرکت‌های چندملیتی و ظهور دولت وسعت یافته

تضعیف شده است. سوم وجود گرایشاتی در برخی لیبرال دموکراسی‌ها نسبت به عدم تعهد طبقاتی و تضعیف ارتباط قوی گذشته میان مواضع طبقاتی شغلی و رفتار سیاسی است.

۲. تغییر ایدئولوژیک و سیاست مابعد صنعتی - به طرق مختلف پلورالیست‌های نو به وسیله دل‌بستگی رأی عمومی، رهبران سیاسی و نخبگان اقتصادی به دیدن مسایل مربوط به سیاست عمومی جوامع پیشرفته سرمایه‌داری بر حسب جنبه ایدئولوژیک جناح راست در برابر جناح چپ دچار سردرگمی می‌شوند. این قطب‌بندی لزوماً گزینه‌های پیچیده سیاست‌گذاری را برای انطباق با چارچوبی از سیاست مبتنی بر طبقه در فرآیند گزافه‌گویی در مورد تقسیم‌های اجتماعی‌ای که در سرمایه‌داری پیشرفته باقی است، بسیار ساده می‌کند. اما از نظر پلورالیست‌های نو این تفکیک‌ها و تقسیم‌بندی‌های ایدئولوژیک راست و چپ، خصوصی و عمومی و امثال آن مانعی عمده در راه تصمیم‌گیری عقلایی است. اکنون پلورالیست‌های نو نشانه‌هایی را می‌بینند، از این‌که چارچوب‌های ایدئولوژیک قدیمی‌تر تحلیل می‌روند و این را اطلاعات آماری نیز مورد حمایت قرار می‌دهد. ظهور یک سیاست مابعد صنعتی متمایز می‌تواند در رشد احزاب محیط‌زیستی، جنبش حقوق حیوانات، مسأله گرسنگی و عدم توسعه، جنبش له یا علیه ادغام بین‌المللی بیشتر و امثال آن، ترسیم گردد.

۳. افول نهادهای نمایندگی<sup>۱</sup> - رشد دولت وسعت یافته قطعاً اهمیت سیاسی مبتنی بر نمایندگی را به عنوان وسیله‌ای برای کنترل سیاست عمومی کاهش می‌دهد. دستگاه‌های نمایندگی مثل قوه مقننه، اساساً نهادهایی محدود محسوب می‌شوند که نمی‌توانند به اندازه‌ای که لازم است توسعه یابند تا از عهده کارکرد رو به تزاید مجلس یا نیاز گسترده به دقت در اعمال اجرایی برآیند. برخی از پلورالیست‌های نو یک بازسازی رادست کم در اعمال قوه مقننه به تصور می‌آورند که گامی مهم در تحدید گرایش به حکومت تکنوکراتیک ذاتی در ظهور دولت وسعت یافته و نقش مسلط شرکت‌ها در سیاست مبتنی بر درون‌داد، محسوب می‌شود.

۴. موضع برتر فعالیت اقتصادی - از نظر پلورالیست‌های نو منافع حاصل از فعالیت اقتصادی

---

1. The decline of representative institutions

هنگامی که سیاست‌گذاری عمومی را متأثر می‌سازد، موضع پراهمیتی در مقایسه با دیگر منافع اجتماعی دارد. دو مبنای برای موضع برتر فعالیت اقتصادی می‌توان برشمرد: اول؛ انباشت نیروی اختیار است که منجر به رشد شرکت‌های بزرگ می‌شود و دیگری؛ پدیده «گردش» است. شرکت‌ها به نحو مؤثری می‌توانند مسایلی را که شهروندان طرح می‌کنند و اختیار و اراده‌ای را که آن‌ها شکل می‌بخشند، تنظیم کنند. برخی پلورالیست‌های نو هم‌چون گالبرایت پیشتر می‌روند و اظهار می‌دارند که شرکت‌های بزرگ می‌توانند، آن‌چه را شهروندان در بازارهای تحت کنترل آن‌ها می‌خواهند، شکل بخشند. راه‌های نفوذ شرکت‌ها بر سیاست‌گذاری عمومی از سوی یک هم‌گرایی وسیع در شیوه‌های عمل و فعالیت اقتصادی و حکومت هموار می‌شود، به دلیل روند عدم تمرکز در درون حکومت هنگامی که شرکت‌ها با حکومت برخورد می‌کنند، هیچ تصادمی در اشکال سازمانی و هیچ عدم سازگاری رویه‌ای رخ نمی‌دهد و در عوض یک تفاهم و درجه بالایی از انسجام در ترتیبات اداری به وجود می‌آید.

چهار موضع کلیدی پلورالیست‌های نو در یکی از پندارهای اساسی دولت در پلورالیسم نو یعنی مدل تغییر شکل یافته سلطه چندگانه تبلور می‌یابد.

سلطه چندگانه تغییر شکل یافته<sup>۱</sup>

این تفاسیر از سیاست مبتنی بر درون‌داد در دوره معاصر منجر به تعبیر پلورالیستی نو از یک دولت آلت‌دست یا مدل «تغییر شکل یافته چندگانه» می‌شود. این مدل چهار جزء اصلی دارد: اول؛ آن است که تنش اصلی میان برابری سیاسی صوری ترتیبات لیبرال دموکراتیک و نابرابری در قدرت ذاتی سرمایه‌داری به عنوان یک نظام اقتصادی - اجتماعی، به نظر می‌آید که یک «سیاست دوگانه» ایجاد می‌کند. دوم؛ آن که نفوذ فعالیت اقتصادی در این سیاست دوگانه به شدت به آن امور اقتصادی که مستقیماً بر منافع شرکت‌ها انگشت می‌گذارد، محدود شده است. سوم؛ آن که یک تفسیر روشن سلسله مراتبی در سیاست دوگانه سلطه چندگانه تغییر شکل یافته وجود ندارد. پلورالیست‌های نو معتقدند که در سلطه چندگانه تغییر شکل یافته تأثیرات دموکراتیک هم‌چنان



بسیاری از امور اولیه یا تاریخ ساز را به طور مستقیم کنترل می‌کند و سرانجام سازوکارهایی وجود دارد که تأثیر فعالیت اقتصادی را بر حکومت در میان انواع مختلف دموکراسی لیبرال یکپارچه می‌کند. مشکل محوری مدل تغییر شکل یافته سلطه چندگانه، توضیح این است که چرا به موضع برتر فعالیت اقتصادی به گونه‌ای وسیع نگاه نشده است. بنابراین چرا به صورت کانون ضدبسیج در نیامده است، چنان‌که تئوری قدرت جبران‌کننده پیش‌بینی می‌کند. در پاسخ پلورالیست‌های نو تأکید می‌کنند که نفوذ فعالیت اقتصادی به نحوی کاملاً مؤثر به وسیله داخل شدن آن به درون‌داد سیاسی از طریق سرمایه گذاری آزاد و روابط تجاری پنهان می‌شود. از نظر پلورالیست‌های نو نشانه‌های زیادی وجود دارد که نارضایتی از اجبارهای اقتصادی بر افق کنترل به شیوه سلطه چندگانه هم‌چنان ادامه دارد. حالت ضدبسیج سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و جنبش‌های کارگری در برابر سلطه فعالیت‌های اقتصادی ظاهراً به یک وضع ثابتی رسیده است. اکنون بیگانگی از «فعالیت اقتصادی تمدن» در جنبش‌های محیط زیستی و فرهنگی، ناآرامی‌های اجتماعی پراکنده، و پدیده‌های ناهنجار هم‌چون از دیاد جنایت متجلی شده است.<sup>(۱۴)</sup>

## ۲) سازمان دولت

در ارائه این مطلب که حکومت لیبرال دموکراتیک در حال حاضر چگونه عمل می‌کند، پلورالیست‌های نو تصویری از یک دولت نگاهبان<sup>۱</sup> را ارائه می‌دهند. چنین تبیین حکومت محور یا مبتنی بر تقاضا مدلی از دولت متخصص است. مدل قدیمی پلورالیستی از حکومت دموکراتیک تأکید می‌کرد که حکومت از خارج و برای منافع عمومی از سوی سیاست نمایندگی کنترل می‌شود. اما مدل دولت تخصصی<sup>۲</sup> استدلال می‌کند که دموکراسی غربی در شیوه عمل اساساً پلورالیست مانده است. این به دلیل توسعه کنترل‌های درونی شده در میان کارکنان دولت متخصص، تکثر حکومت برای ایجاد نظام‌های تعاملی و رشد اشکال خاص امور مربوط به

---

1. Guardian State

2. Professionalized State Model

مشارکت عمومی است. (۱۵)

۱. تخصصی شدن حکومت - پلورالیسم متعارف می‌پندارد که همه بوروکراسی‌ها اگر می‌خواهند در برابر منافع عمومی پاسخگو باشند، نیاز دارند از خارج توسط نهادهای نمایندگی کنترل شوند. راست نوگامی فراتر می‌نهد و می‌گوید، اگر مؤسسات دولتی به حال خود گذاشته شوند، بودجه را بالا برده و برون‌دادشان رو به عرضه بیش از حد می‌گذارد. اما پلورالیست‌های نو بحث می‌کنند که هر دو سطح از بدبینی به دلیل رشد نظام اداری تخصصی، در سطح دولت توسعه یافته در جایگاه خود قرار ندارند. دولت توسعه یافته به حد زیادی توسط گروه‌های متخصص اداره می‌شود. در مؤسسات شبکه دولتی و مقامات محلی معمولاً متخصصان بخش اداری عملیات توسعه را در سطح سیاست‌گذاری تحت کنترل دارند. این مسأله از سه جهت مهم است، چراکه متخصصان، تخصص بالایی در وظایف حکومتی وارد می‌کنند. و به این ترتیب بیش از آن که بر یادگیری کار تأکید شود، مهارت‌ها و دانش تکنیکی مطرح می‌شود. دیگر این‌که تربیت تخصصی تأکید زیادی بر احترام به منافع عمومی دارد. سرانجام، تخصصی شدن سیاست‌گذاری باعث انتقال قدرت به خود متخصصان می‌شود. در یک دولت متخصص اجرای سیاست‌ها در سطوح مردمی و نیز بستر مباحث در هر مورد خاص، اساساً از گروه‌های تخصصی تأثیر می‌پذیرد. در بسیاری از قلمروها تأثیر تحولات در دانش و اندیشه‌ها، از طریق تلاش‌هایی برای به‌کارگیری فن‌آوری‌های جدید برای مواجهه با معضلات اجتماعی جدی گرفته می‌شود. از این رو پلورالیست‌های نو پیش‌بینی می‌کنند که ادامه تخصصی شدن و تمایز رویه‌ها و کارکنان، در کنار تعلیم و تربیت بهتر و تخصصی شدن بیشتر، راه‌هایی را که مطابق آن سیاست اجرا می‌شود، تغییر می‌دهد.

در جهان ساده شده راست نو که مبنی بر گزینش عمومی است، همه فعالیت‌های حکومتی در مدل مشابه‌ای از بوروکراسی محو می‌شود. در حالی که پلورالیست‌های نو تأکید می‌کنند که اکنون قلمروهای نسبتاً کمی از حکومت وجود دارد که مستقیماً از سوی بخش‌های حکومت مرکزی یا فدرال اداره می‌شوند. دولت گسترش یافته مدرن اساساً به عنوان شبکه‌ای از

مؤسسات چندگانه غیر متمرکز رشد کرده است. این مؤسسات یا مؤسسات شبه حکومتی هستند که تنها یک حوزه سیاست‌گذاری را در دست دارند. یا حکومت‌های زیرمجموعه حکومت ملی که مسایل مختلفی را در یک منطقه محدود پوشش می‌دهند. هر کجا که سیاست‌گذاری میان مؤسسات یا بخش‌های حکومتی تقسیم می‌شود، نظام پیچیده‌ای از مناسبات میان حکومت‌ها یا میان مؤسسات به وجود می‌آید.

آن دسته از پلورالیست‌های نو که نسبت به این‌که آیا تخصصی‌شدن بیشتر یا استمرار تخصصی‌شدن می‌تواند مسایل اجتماعی را به نحوی مکفی مطرح کند، بدبین هستند و چنین بحث می‌کنند که تکثر و پراکندگی حکومت، سازوکار مهمی برای حفظ کنترل سیاسی بر سیاست‌گذاری است. تقریباً در اغلب موارد سیاست‌گذاری عمومی هم‌چنان متکی بر «دانش معمول» و نیز «آگاهی اجتماعی» است. «دانش معمول» نوعی دانش غیرسیستماتیک است که معمولاً ما را در فعالیت‌های روزانه هدایت می‌کند. اما «آگاهی اجتماعی» از جنبه دیگری از مسأله‌ای مشابه حکایت می‌کند و آن تجربه سیاستی مشخص است، پیش از آن‌که محاسن و معایب آن معلوم شده باشد. در کنار این دو شیوه، تخصصی‌شدن بیشتر تا زمانی که تابع سازوکارهای کنش متقابل است، می‌تواند مثمر ثمر باشد؛ همانند بازارهای اقتصادی، انتخابات، روند باز و فعال گروه‌های ذی‌نفع، یا چانه‌زنی اداری میان مؤسسات مختلف.

۲. مشارکت عقلانی - هر قدر هم کنترل‌های درونی به خوبی گسترش یافته باشند، باز هم یک نیاز اساسی به نظامی از کنترل‌های بیرونی باقی می‌ماند تا اجتماعی‌شدن تصمیم‌گیرندگان را نسبت به دنبال کردن اهداف منافع ملی تقویت کند. اما همه اشکال کنترل خارجی نیز محدودیت‌های خود را دارا هستند. این کنترل‌ها اساساً با حکومت تکنوکراتیک سازگار می‌شوند و عموماً شهروندان را به تصمیم‌گیری نمی‌رسانند. اما ایجاد ملزومات مشارکت عمومی در روند تصمیم‌گیری می‌تواند به معنای بررسی‌های وسیع‌تری در مورد خط‌مشی‌ها باشد. از این رو پلورالیست‌های نو به ایجاد اشکال جدید و خاص مشارکت عمومی برای نگهداشتن نخبگان متخصص در هماهنگی با انتظارات عمومی علاقه دارند.<sup>(۱۶)</sup>

در خاتمه باید اذعان داشت که در نظر پلورالیست‌های نو سه منبع جهت آسیب‌رساندن به سیاست‌های دولت و توسعه اجتماعی وجود دارد: ۱. افول تکنولوژیک است که براساس آن هیچ خط‌مشی تکنولوژیک در تمام موقعیت‌ها مؤثر نیست و هر نظامی از ترتیبات اجتماعی با مدیریت سیاست‌ها در طی زمان رو به رکود و افول می‌گذارد. ۲. اغوجاجات و بحران‌های سیاسی است که از افول تکنولوژیک تهدیدی نزدیک‌تر به حساب می‌آید. ۳. معارضات فرهنگی یا بحران فرهنگی است که از اضمحلال ارزش‌های پیش از سرمایه‌داری برمی‌خیزد که برای انسجام و ثبات اجتماعی مسأله‌ای کارکردی محسوب می‌شود.

ولیکن در قضاوت نهایی باید بیان کرد که پلورالیسم نو، دولت‌های سرمایه‌داری مدرن را در آستانه قرن ۲۱ ملزم به رعایت اصول دموکراتیک می‌داند. چرا که دولت‌ها در این مقطع تخصصی شده و دیگر نیازی به کنترل‌های بیرونی و دستگاه‌های کنترل رهبران سیاسی در قالب درون‌دادهای سیاسی نیست و دولت‌ها خود را به صورت نهادی موظف به رعایت اصول دموکراتیک می‌دانند.

### نتیجه‌گیری

نظریه‌های پلورالیستی به فلسفه سیاسی لیبرال قدیم از جمله لاک و منتسکیو برمی‌گردد. هم‌چون اکثر لیبرال‌ها، مدیسون معتقد بود که حکومت دموکراتیک آزمایش نشده، ممکن است به آسانی به اکثریت‌گرایی تبدیل شود، که حقوق فردی را از بین ببرد و از دارایی به نام مردم سلب مالکیت کند. آن‌چه که کارهای مدیسون را قابل توجه کرد این بود که وی روی تعدد منافع و گروه‌ها در جامعه تأکید می‌کرد و اصرار داشت که اگر چنین گروه‌هایی از یک صدای سیاسی برخوردار نباشند، ثبات و نظم غیرممکن خواهد بود. بنابراین او یک سیستم حکومت تقسیم‌شده براساس تفکیک قوا را پیشنهاد کرد؛ که در آن گروه‌های مختلف با هم در رقابت باشند. پیامد سیستم حکومت به وسیله اقلیت‌های متعدد به عنوان «دموکراسی مدیسونی» شناخته می‌شود. مدل مدیسونی اولین اظهارات پیشرفته از اصول پلورالیست می‌باشد.

بافذترین تئوری مدرن درباره تئوری پلورالیستی متعلق به رابرت دال است؛ که در کتاب خود تحت عنوان چه کسی حکومت می‌کند؟ دموکراسی و قدرت در یک شهر آمریکایی را توضیح می‌دهد؛ که در آن یک مطالعه تجربی درباره توزیع قدرت در نیوهاون آمریکا انجام داده است. دال نتیجه گرفت که گرچه امتیازداران سیاسی و قدرت‌مندان اقتصادی از شهروندان عادی قدرت بیشتری به کار می‌برند، ولی هیچ‌نخبه حاکم به طور مستمری بر فرآیند سیاسی تسلط ندارد. نتیجه‌گیری او این بود که نیوهاون نمونه‌ای از یک نظام دموکراتیک است. او نظام‌های دموکراتیک مدرن را با دموکراسی‌های کلاسیک یونان باستان متفاوت دانست و به همراه لیند بلوم<sup>۱</sup>، اصطلاح پلی‌آرشی را برای نشان دادن حکومت تعداد زیادی از افراد به کار برد که از حکومتی که به وسیله تمامی شهروندان اعمال شده، متمایز می‌شد. خصوصیت کلیدی چنین نظام دموکراتیکی این است که احزاب در زمان انتخابات رقابت می‌کنند و گروه‌های فشار یا ذی‌نفع می‌توانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند، که بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شدگان پیوند قابل اعتمادی به وجود می‌آورد.

البته ارتباط بین پلورالیسم و دموکراسی ممکن است، استوار و محکم نباشد. برای مثال یکی از اهداف نظام مدیسونی این بود که حفاظت از دارایی را بر دموکراسی تحمیل کند. به عبارت دیگر، نظام حکومتی اقلیت‌های متعدد ممکن است به آسانی شیوه‌ای برای جلوگیری اکثریت از اعمال قدرت سیاسی باشد و مشکل بیشتر خطری است که «رکود پلورالیستی» نامیده شده است. این امر وقتی اتفاق می‌افتد که گروه‌های سازمان‌یافته و منافع اقتصادی به اندازه‌ای قدرت‌مند می‌شوند که یک تراکم اندک را به وجود می‌آورند و در نتیجه منجر به مسأله «بار اضافی» حکومت می‌شود. در این شرایط یک نظام پلورالیستی ممکن است کارآ نباشد. سرانجام این که مسأله‌ای که دال اخیراً مطرح کرده، این است که مالکیت نامساوی منابع اقتصادی به تمرکز قدرت سیاسی در دستان تعداد اندکی منجر می‌شود و محدودیت‌های بسیاری دیگر را موجب می‌گردد. این سیر بحث با انتقادهای مارکسیستی از دموکراسی پلورالیستی موازی می‌شود و منجر به ظهور

---

1. Charles Lindblom

نو پلورالیسم می‌گردد. با این وجود پلورالیسم با به رسمیت شناختن نظام انتخابات، رقابت حزبی، فرآیند گروه‌های ذی‌نفع، رسانه‌های گروهی به عنوان درون‌دادهای سیاسی و با به رسمیت شناختن این سازوکارها در سازمان دولت، شرایط مطلوبی را برای استقرار دموکراسی ایجاد می‌کند. ولیکن پلورالیسم نو درون‌دادهای سیاسی را لازم نمی‌شمارد. چرا که به اعتقاد اینان دموکراسی غربی در شیوه عمل پلورالیست باقی مانده است و این به دلیل توسعه کنترل‌های درونی شده در میان کارکنان دولت متخصص است که تکثر حکومت برای ایجاد نظام‌های تعاملی و رشد اشکال خاص امور مربوط به مشارکت عمومی است.



## یادداشت‌ها

۱. ر. ک: الکسی دو، توکویل، تحلیل دموکراسی در امریکا، با مقدمه هارولد لاسکی، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای (تهران: زوار، ۱۳۴۷)، صص ۲۵۰-۲۰۰.

2. Who Governs? Democracy and Power in an American city, New hoven press, 1963.

3. N., Miller, "Pluralism and Social Choice", *American Political Science Review* 77, pp. 734-47.

4. See: Patrick Dunleavy and Brendan O'leary, *Theories of the State* (London: Routledge, 1990), P.24.

5. *Ibid.* p. 26

6. *Ibid.* p. 26

7. *Ibid.* p. 26

8. *Ibid.* p. 26

9. See: Bert A., Rockman, "Minding the State or the State of Mind?" Issues in the Comparative Conceptualization of the State", *Comparative Political Studies*, Vol. 23, No. 1, (1990), pp. 25-66.

و نیز مقایسه کنید با:

- رابرت، دال، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان (تهران: ظفریان، ۱۳۶۴)، ص ۳۰.

- پیتر، کیرستو، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸).

and see: Rockman, *op.cit.* p. 38.

10. Dunleavy, *op. cit.*, pp.49-59.

and see: Suzanne, Berger, (Ed.), *Organizing Interests in Western Europe: Pluralism, Corporatism and Transformation of Politics* (Cambridge: Cambridge University Press, 1981), pp. 80-92.

Paul Q. Hirst, "Retrieving Pluralism", in William Outhwaite and Michael J. Mulkey, (Eds.), *Social Theory and Social Criticism: Essays Presented to Tom Bottomore*, (Oxford: Basil Blackwell, 1987), pp. 154-174.

11. Christopher, Pierson, *The Modern State*, (New York: Routledge, 1996), P. 120-124.

12. See: B., Frey, *Modern Political Economy*, (London: MacMillan, 1978), pp. 53-65.

13. Dunleavy, *op. cit.*, pp. 50-51.

14. *Ibid.*

15. *Ibid.*

16. See: G. Sarton, *Democratic Theory*, (Detroit: Wayne State University Press, 1976), p. 150

and see: C., Lindbolm, *Politics and Market*, (New York: Basic Books, 1977), pp. 33-91.

